

پیشکسوت نقطه قوت یک اثر است. وقتی بازیگران جوانی همچون من در کنار خانم قاسمی و بهزاد فرهنگی و مهرداد ضیایی و... بازی می‌کنیم موجب می‌شود با جدیت بیشتری بازی کنیم چون بازی در کنار این عزیزان سخت است.

امیدوارم یک نظر سنجی در مورد سریال سوجان انجام شود تا مشخص شود این سریال چقدر مورد رضایت مخاطبین بوده و اگر درصد زیادی این سریال را دوست داشتند هر چه سریع‌تر ادامه این سریال با بهترین کیفیت ساخته شود.

پریسا دوستی: مهرداد ضیایی یکی از مهمترین پیشکسوت‌هایی بود که من مقابل ایشان بازی داشتم. پارت‌تر مقابل در ایفای نقش بازیگر بسیار مهم است و قبل از اینکه برای این نقش انتخاب شوم بازیگر نقش مقابل برای من بسیار اهمیت داشت و زمانی که فهمیدم آقای ضیایی نقش مقابل من هستند بسیار خوشحال شدم. من بر حسب بازی‌هایی که از ایشان دیده بودم، ایشان را بازیگری پرتنوعی تصور می‌کردم ولی اولین روز که ایشان را دیدم تصوراتم بهم ریخت چون ایشان بسیار آرام و کم حرف بودند و خیلی از این بابت نگران شدم ولی در اولین سکانس شگفت زده شدم چون از اولین لحظه فیلمبرداری به یکباره آن سکوت و آرامی کنار رفت و خسرو نمایان شد که من شوکه شدم و بازی من طبق نقش و بازی ایشان تغییر می‌کرد. به همین دلیل ترجیح می‌دادم اول سکانس‌های آقای ضیایی گرفته شود تا به نسبت بازی ایشان نقش‌ام را ایفا کنم. با آقای مهدی صبایی نیز گرچه کم هم بازی بودم ولی ایشان صادقانه و عاشقانه بچه‌ها را راهنمایی می‌کردند.

فاطمه حاجوی: نه تنها بازی در کنار پیشکسوت‌ها بلکه بودن در کنار آنها اخلاق حرفه‌ای را به بازیگران جوان می‌آموزد و من همواره سر صحنه دقت می‌کنم که پیشکسوت‌ها در شرایط تنش‌زا چطور رفتار می‌کنند و چه کرده‌اند که موجب ماندگاری آنها شده است و من خیلی دوست دارم بدانم که آقای فریدون حسن‌پور به عنوان نویسنده از بازی من به عنوان کاراکتر ستاره راضی بوده و بازی من همان چیزی بوده که در ذهن‌شان از کاراکتر ستاره داشته‌اند؟

چه کامنت‌هایی از مردم درباره شخصیت‌های خود در سریال گرفته‌اید؟

افشین غیائی: مردم خیلی با جاوید ارتباط گرفته‌اند و این کاراکتر را دوست دارند. بیشتر پدر و مادرها کاراکتر جاوید و فرانک را دوست دارند و از این بابت بسیار خوشحالم و قدر دان مردم هستم. تلویزیون خانه ماست و امیدوارم آنقدر محتوای برنامه‌های تلویزیونی غنی شود که هیچ فردی دیگر فیلم‌های ماهوارهای را نبیند چون محتوای شبکه‌های ماهوارهای واقعا خطرناک هستند.

علی مرادی: طبق کامنت‌هایی که من دریافت کردم پسران زیر بیست سال کاراکتر قربان را خیلی دوست دارند اما خیلی از کارهای نادرست قربان را تایید می‌کنند و دایرکت‌های فراوانی در این مورد دریافت کردم که جاه طلبی‌های قربان را دوست دارند و این اصلا نشانه خوبی نیست و یک زنگ خطر به حساب می‌آید.

پریسا دوستی: طرفدارهای نقش انیس هم دو دسته هستند، عده‌ای از کارهای انیس ناراحت هستند که چرا این همه فتنه انگیزی می‌کند و تعدادی از انیس دفاع می‌کنند که این رفتارهایی دلیل نیست و مادر و پدرش کشته شده‌اند و این رویکرد مخاطبان برای من جذاب است و دانما می‌خواهند سرانجام انیس را بدانند و این نشان می‌دهد مردم با این سریال همراه شده‌اند و این قطعا به خاطر قصه جذاب سوجان است.

حدیث نیگرو: مردم آنقدر کاراکتر مادر حوا را دوست داشتند که قبل از فوت مادر حوا مخاطبین از من سوال می‌کردند مریضی مادر حوا چیست و اینکه دستش خوب می‌شود؟ بعد از فوت مادر حوا هنوز از من می‌پرسند چرا مادر حوا فوت کرد و من به عنوان یک بازیگر با این بازخوردها بسیار دلگرم می‌شوم چون می‌بینم که مخاطب این نقش را باور کرده است. با این که ستاره حدود بیست قسمت حضور دارد و دیگر او را در سریال نداریم ولی می‌بینم که سکانس‌های مختلفی از مرگ ستاره منتشر می‌شود و این سکانس خیلی وایرال شده است و در قسمت فوت ستاره و این نشان دهنده مهر مردم به این کاراکتر است.

زهرا جهرمی: در ابتدای ورود طلا، بازخوردهای مردم نسبت به کاراکتر طلا منفی بود چون فکر می‌کردند که طلا می‌داند که قربان همسر دارد ولی زمانی که متوجه شدند طلا از این موضوع بی‌خبر است رویکرد مردم نسبت به شخصیت طلا عوض شد و نسبت به طلا دلسواری می‌کنند و این نشان دهنده همراهی و پیگیری مردم با تک‌تک کاراکترهای سریال است و این پیگیری مردم از تک‌تک کاراکترها برای من خیلی خوشایند است. در پایان از همه همکاران تیم تهیه، تولید و تدارکات تشکر می‌کنم چون همه همکاران تمام تلاش خود را برای تولید هر چه بهتر این سریال انجام دادند.



فاطمه حاجوی: صمیمیت با پارت‌تر و نقش مقابل تاثیر زیادی در نتیجه مثبت بازی دارد و ستاره که به مادرش وابسته بود ارتباطی که میان من با ساغر عزیزی شکل گرفت همچون رابطه مادر و فرزند بود و از ساغر عزیزی بسیار تشکر می‌کنم چون بسیار به من کمک و همچون یک مادر از من حمایت کردند. سید مهرداد ضیایی که نقش پدر مرا داشتند و چهار چوب خاصی دارند و همواره در حال کتاب خواندن بودند و روی کتاب‌هایشان بسیار حساس هستند و طبق گفته دوستان، حتی کتاب‌هایشان را به کسی نمی‌دهند ولی من این افتخار را داشتم که هر شب از ایشان کتاب می‌گرفتم و در زمان‌های استراحت درباره کتاب‌ها با هم صحبت می‌کردیم و این ارتباط برای من بسیار ارزشمند بود.

حدیث نیگرو: بازی کردن در کنار پیشکسوت‌ها به دلیل تجربه و سابقه‌شان در این حرفه بسیار سخت است و سکانس‌هایی که با خانم ثریا قاسمی داشتم برای من مثل چندین واحد دانشگاهی مملو از آموزش بود و من از ایشان در این مدت بسیار آموختم و به دلیل اینکه نقش دختر خانم قاسمی را داشتم باید ارتباط عاطفی میان ما شکل می‌گرفت و من به خاطر توانایی‌هایشان با دلپره به ایشان نزدیک می‌شدم و به یاد ندارم که ایشان مثل ما دیالوگ بخوانند و همیشه سر سکانس‌ها آماده بودند. زاویه دور بین را می‌شناخت و می‌دانست باید به کجا نگاه کند و من واقعا از بازی با ایشان هم لذت می‌بردم و هم می‌آموختم و افتخار می‌کنم که در این سریال نقش دخترشان را داشتم.

مرجان متقی: در این سریال بازیگران پیشکسوت زیادی بودند و من سعی کردم علاوه بر بازیگران پیشکسوت از بازیگران جوان‌تر هم بیاموزم ضمن اینکه پارت‌تر نیز تاثیر زیادی در بازی نقش مقابل دارد به همین دلیل از افشین غیائی تشکر می‌کنم چون از همان روز اول دوستانه و برادرانه به من کمک کرد و گرچه در مواردی در ایفای نقش با هم اختلاف نظر داشتیم ولی سعی می‌کردیم با گفت‌وگو و صحبت به یک اشل درستی از شخصیت‌ها برسیم.

زهرا جهرمی: من با خانم قاسمی و آقای ضیایی همبازی نبودم ولی بسیار از ایشان آموختم. آنها هنرمندانی هستند که اگر ثانیه‌ای چشم از مانیتور برمی‌داشتیم آن لحظه‌ها را از دست می‌دادم و از بازی در کنار همه این پیشکسوت‌ها لذت بردم.

افشین غیائی: ترکیب بازیگران جوان همراه با بازیگران

در کامنت‌هایی که در ابتدا از مردم دریافت می‌کردم طلا را فردی خودخواه، مغرور و افسرده تعریف کردند که نشان دهنده آن است که نقش درست در آمده چون طلا بخاطر درونگرایی و حادثه‌ای که برایش رخ داده می‌بایست افسرده، زودرنج و تندخو می‌بود. از طرفی چون دختر خان بود و قدرت داشت باید با غرور و اعتماد به نفس بازی می‌کرد. یکی از چالش‌های من بستن موهای سرم و کشیدن شقیقه و ابرو هام بود تا من را بیشتر به کاراکتر طلا نزدیک کند و همینطور چالشی که برای دندان‌هایم ایجاد کرده بودم که حروف رو رسا ادان کنم. تمام این ویژگی‌ها برخلاف شخصیت من بود و باید تلاش می‌کردم تا به این ویژگی کاراکتر طلا برسم. از لحاظ جسمی هم چون معلول بود باید مدل راه رفتن را آنقدر تمرین می‌کردم تا غلو نشود. تجربه‌ای که خودم در گذشته از مادرم داشتم در ایفای رتال این نقش کمک کرد. تمام این موارد گرچه برای ایفای نقش کمک کننده بود ولی به دلیل محدودیتی که ایجاد می‌کردم موجب عدم تمرکز بود.

علی مرادی: نقش قربان چهار مقطع زمانی داشت قبل از سربازی که شخصیت جاهل و قمار باز بود، دوره سربازی که کمی افتاده شد بعد که وارد امربری شده و با طلا آشنا شد و داشت به منصبی می‌رسید و در طول روز باید این چهار مقطع زمانی را بازی می‌کردم. برای همین ما برای هر دوره از شخصیت قربان نشانه گذاشته بودیم ضمن اینکه نحوه راه رفتن و گرم و لباس کاراکتر قربان در این چهار مقطع زمانی متفاوت بود که بازی و شیفت کردن این چهار مقطع در یک روز از چالش‌هایی بود که با آن رو به رو بودم.

از تجربه بازی در کنار بازیگران حرفه‌ای بگوئید؟

علی مرادی: بازیگران با تجربه‌ای همچون سیما تیرانداز، بهنام تشکر و بهزاد فرهنگی و... گرچه بسیار همراه بودند ولی بازی در کنار آنها بسیار سخت است چون اصول بازیگری را بلد هستند با این حال بازی در کنار آنها بسیار لذت بخش بود. بهنام تشکر در این سریال بسیار به من کمک کردند و بهزاد فرهنگی که پیشکسوت این حرفه است، خیلی به ما امیدواری و انرژی می‌دادند و در سکانس‌های مشترک با ما تمرین می‌کردند.

فضای حاکم بین عوامل در تولید سریال چقدر بر کار و بازی شما تاثیر مثبت داشت؟